

ترجمه انگلیسی این مقاله با عنوان:

Comparison of Desirable Housing Components in Residential Complexes of Hamedan City

در همین شماره به چاپ رسیده است.

مقایسه مؤلفه های مسکن مطلوب در مجموعه های مسکونی شهر همدان

شیدا کرجانی *

۱. فارغ التحصیل دکتری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

چکیده:

مجموعه های مسکونی یکی از راهکارهای دنیای مدرن برای پاسخ دهی به رشد سریع جمعیت و گسترش شهرها است. این مجموعه ها با رویکرد خاص برای گردآوری گروهی از افراد خاص پدید می آیند و بعضی از آنها به علت بزرگی نام شهرک را به خود می گیرند که از فضاهای جمعی خود به صورت اشتراکی بهره می برند همدان به علت وجود پتانسیل های اقتصادی و تقویت ارگان های مختلف در آن، شهرک های مختلفی از مجموعه های مسکونی را در خود جای داده اند. این پژوهش با هدف و شناخت مؤلفه ها معماری مسکن مطلوب (حاوی عوامل تأثیرگذار در مسکن مطلوب) در مجموعه های مسکونی شهر همدان به بررسی شاخص های استخراج شده پردازد. این پژوهش با رویکرد ترکیبی (کیفی در کمی) ابتدا مرور نظام مند نسبت به مطالعات پیشین صورت گرفته و سپس از دلفی آینده پژوهی بامراحل تحدید و انتخاب آغاز می گردد و تدقیق شاخصه های مسکن مطلوب با نمونه موردی بوسیله W کنдал صورت می پذیرد. در بخش کمی با متغیرهای مستخرج شده پرسشنامه تدوین و در اختیار ۳۸۴ نفر از افراد در مجموعه های مسکونی قرار می گیرد و برای تحلیل از نرم افزار SIGMAPLOT برای آماره های استنباطی استفاده می شود و در انتها بین مؤلفه های مسکن مطلوب در هردو مجموعه همبستگی گرفته می شود نتیجه نشان می دهد که بیشترین سهم عاملی مربوط به احساس تعلق، سیرکولاسیون، ایمنی محیط برای فعالیت ها، تعادل اکوسیستم ها و اقلیم خرد فضاهای شهری و نورگیری و آفتابگیری با مقدار (۱/۰۰۰) است و کمترین مربوط به ابعاد و اندازه با مقدار (۰/۳۸۳) می باشد.

معماری معاصر

مقاله تخصصی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۶/۱۴

تاریخ بازنگری:

//

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۶/۲۶

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۳/۱

واژگان کلیدی:

مؤلفه های مسکن مطلوب،
مجموعه های مسکونی،
شهر همدان.

* نویسنده مسئول : +989120727215, sheyda.korjani@gmail.com

مقدمه

مجموعه‌های مسکونی و مسکن‌های جمعی پدیده آمده در دنیای مدرن می‌باشند که جزو لاینفک بدنه اصلی خیلی از شهرها بوده است که ارکان مختلفی را در خود جای داده است و از خیلی فعالیت‌ها جمعی حمایت می‌کند. معماری، چونان علمی انسانی، به پرسش امکان مکان‌های سکون انسانی می‌پردازد و چونان دانشی از چپستی مکان عام مسکونی و مفاهیم آن را مدنظر دارد. به دلیل همین کیفیت تألیفی، قضایای تجربی و استعلایی از مکان در علم معماری صورت یگانه‌ای می‌گیرد (دیباچ، ۱۳۹۱: ۱۴۲). محیط زندگی و در متن آن مسکن و ساختمان از ابداعات و دست‌ساخته‌های بدیع و همیشگی انسان در هر فرهنگ و تمدن بوده و هنوز از تازگی، شگرفی، مطلوبیت و پیچیدگی در تمام ابعاد برخوردار است. مسکن، فضایی چند ساحتی، حاصل کنش عوامل مختلف و اساساً پدیده‌ای فرهنگی است (راپاپورت، ۱۳۹۵: ۸۹). مسکن مورد قبول از نظر ساکنین دارای مؤلفه‌هایی می‌باشد که آن را از نظر کاربران فضایی مطلوب حساب می‌شود. و پیروی از آن باعث ایجاد مطلوبیت بیشتر در فضاهای مجموعه‌های مسکونی می‌شود.

مسکن بعنوان بستری برای زندگی انسان با سایر ابعاد زندگی او در ارتباط و کنش متقابل است. هر ناحیه مسکونی باید با توجه به ساختارهای گوناگون خانوادگی و نیازهای مکانی و اجتماعی مختلف ساخته شده و با داشتن ویژگی‌های فضایی و اجتماعی خاص خود، محیطی منحصر به فرد را ارائه نماید. در دهه‌های اخیر به دلیل افزایش تقاضا برای مسکن در ایران، تلاش‌های بسیاری برای تأمین مسکن انجام پذیرفته ولی آنچه عموماً نادیده گرفته شده جنبه‌های کیفی بناها در کنار فزونی کمی آن هاست. واژه کیفیت مفهوم گسترده‌ای دارد، به طوری که می‌توان تعاریف مختلفی از آن ارائه داد که بیانگر شاخص‌های مختلفی از آن باشد؛ از این رو جهت کسب مطلوبیت در حوزه مسکن در کنار توسعه کمی بای شاخص‌های کیفی در مطالعات برنامه‌دهی مسکن مورد بررسی قرار گیرند. مسکن پیچیده‌ترین بنا در طراحی است (آصفی و ایمانی، ۱۳۹۳: ۶۴) (آصفی و ایمانی، ۱۳۹۵: ۵۷).

زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی از جمله عواملی هستند که در شکل‌گیری آثار معماری به ویژه مسکن

بسیار مؤثرند. در دوره‌های معماری معاصر نمونه‌های برتری که می‌تواند متضمن الگوهای سازمان یافته طرح‌ها در بناها در معماری روز باشد؛ الگوبرداری کرد. به همین سبب مجموعه‌ای با هدف شناساندن این الگوها می‌تواند زمینه مناسبی جهت بهبود کالبدها و بدنه‌های شهری باشد. همچنین این مجموعه می‌تواند به عنوان یک نمونه، نماینده معماری این منطقه باشد؛ کرد. این پژوهش به منظور هویت بخشیدن به فضای معماری به ویژه در بخش مسکن و شناسایی الگوها، مؤلفه‌ها و شاخصه‌ها در ساخت و سازهای سازمانی در دوره معاصر و تقویت عناصر فرهنگی موجود و بازشناسی ارزش‌های موجود در معماری در این مجموعه‌ها، به بررسی و شناخت آثار پرداخته و به دنبال طرح نظام‌مند جهت یافتن اصولی تازه براساس مفاهیم به کار گرفته شده بر اساس روش پژوهش می‌باشد. انتخاب موارد مورد مطالعه در این پژوهش؛ یعنی مسکن سازمانی از یک سو می‌تواند دستیابی به اهداف نظام‌مند مفاهیم را میسر سازد و از سوی دیگر ضرورت‌های دیگری را نشان می‌دهد؛ چرا که همانگونه که ذکر شد، معماری و شهرسازی این مجموعه‌ها به عنوان بخشی از گذشته نزدیک معماری ما که مورد غفلت واقع می‌شود مورد پژوهش علمی و هدفمند نبوده است و این کمبود، ضرورت انجام آن را تبیین می‌کند. این پژوهش بر آنست که به این سوال اساسی پاسخ دهد که مؤلفه‌های مسکن مطلوب در مجموعه‌های مسکونی شهر همدان دارای چه میزان همبستگی هستند و کدامیک از آنها دارای تأثیرگذاری بیشتری بوده‌اند؟

مبانی نظری

• مسکن

واژه مسکن در حقیقت اسم مکان از ریشه سکن است که به محل سکون یا توقف گفته می‌شود. از لحاظ لغوی و معنایی، محل سکونت انسان در ادبیات غرب و زبان و فرهنگ فارسی دارای واژه‌های گوناگون می‌باشد و در طول زمان دارای بار معنایی و استفاده‌های خاص خود شده‌اند. (معماردزفولی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵). مسکن محل آسایش بدنی و رونی انسان است تا در آن آسوده زندگی کند (عاملی، ۱۳۶۳) (ثمین شریفی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۸). مسکن مطلوب متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی و مرزی استفاده کنندگان با معیارهای گوناگونی شناخته می‌شود. مسکن مناسب تنها به

جدول شماره ۱) معنی و مفهوم واژه مسکن از نظر بزرگان

ردیف	بزرگان	توضیحات
۱	پیرنیا	خانه جایی است که ساکنان آن احساس ناراحتی نکنند و اندرون خانه یا جایی که زن و بچه زندگی می کنند می بایست تنوع زیادی داشته باشد تا خستگی احساس نشود.
۲	آموس راپاپورت	خانه در درجه اول یک نهاد است و نه یک سازه و این نهاد برای مقاصد پیچیده ای به وجود آمده است از آنجا که احداث یک خانه پدیده ای فرهنگی به شمار می آید.
۳	لوکوربوزیه	خانه در پوششی است که در تطابق با برخی از شرایط، رابطه صحیحی را بین محیط خارج و پدیده های زیستی انسان برقرار می سازد.
۴	گیفورد	خانه یا (کاشانه) در زندگی ما، یکی از بارزترین مکانهاست. شش ویژگی شاخص کاشانه شامل: پناهگاه، هویت، نظم، همبستگی و جنبه های معنوی، محافظت از گرما و مناسب بودن ابعاد فیزیکی آن. امکان دارد که برای سکونت کردن، مکانی داشت ولی در عین حال فاقد مکان کاشانه بود (گیفورد، ۱۳۷۸: ۷۲-۷۵).
۵	عمید	در جهان بینی اسلامی مسکن به محل ساکن شدن و جا آرامش یافتن معنی شده است (عمید، ۱۳۸۱).
۶	طباطبایی	مسکن محل آسایش بدنی و روانی انسان است به وسیله آن سکونت می یابد (طباطبایی، ۱۳۶۳).
۷	رابرت ونتوری	مسکن، پیچیده ترین نوع بنایی است که معماری می شود، چرا که طراحی این کاربری، امری فراتر از پاسخ به برنامه است. مسکن چهره ای عمومی و در عین حال زندگی خصوصی ساکنین را به نمایش می گذارد که برای هر فرد متغیر خواهد بود (ونتلینگ، ۱۳۹۲: ۵).
۸	مسائلی	مسکن سنتی همانند انسان سنتی دارای یک صورت ظاهری و یک سیرت باطنی است (Masaeli, 2009).
۹	مور	خانه مرکز جهان است برای ساکنانش و برای محله اش شاخص ترین بنا در تحکیم مکان (Moore, Gerald and Donlyn, 1974).
۱۰	کوپر	طراحی خانه برا مداخله در وضع روانی انسانهاست (Cooper, 2000).

می شود (مدنی و شفایی، ۱۳۹۲، ۱۵۴) (بهره دار، مدنی و افشاری، ۱۴۰۲: ۳۴).

• عوامل تأثیرگذار در مسکن مطلوب و مولفه های آن

الف) شاخص کالبدی - فضایی

ویژگیهای کالبدی مسکن از موضوعات مهم در بررسی های کیفی مربوط به مسکن می باشد. در واقع این ویژگیها فراتر از تأمین حداقل استانداردهای موجود در مورد تراکم خانوار در مسکن، تراکم نفر در مسکن، تراکم نفر در اتاق و سرانه سطح زیربنا است. بخش عمده ادراک ما از فضا نخست بصری است و ادراک بصری در وهله اول کالبدی است (توسلی، ۱۳۶۷؛ آصفی و ایمانی، ۱۳۹۵: ۶۱). دلایل حاکمیت تلقی کالبدی در متن تعبیر نهفته است (منصوری، ۱۳۸۹: ۳۰؛ آصفی و ایمانی، ۱۳۹۵: ۶۱). کیفیت کالبدی رابطه نزدیکی با مفاهیمی مانند هویت، سرزندگی، آشنایی و خاطره انگیزی دارد (حبیبی، ۱۳۷۹، ۲۴؛ آصفی و ایمانی، ۱۳۹۵: ۶۰). در واقع اجزای کالبدی ظرفی را برای زندگی تعریف می نمایند که تعاملات اجتماعی در آن شکل می گیرد (کارمونا و دیگران، ۲۰۰۶؛ آصفی و ایمانی، ۱۳۹۵: ۶۱). از این رو به منظور بالا بردن کیفیت کالبدی بایستی عواملی

معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست. سرپناه مناسب یعنی آسایش مناسب، پایداری و دوام سازه ای، رو شنایی، تهویه و سیستم گرمایی مناسب، زیر ساخت های اولیه مناسب از قبیل آب رسانی، بهداشت و آموزش دفع زباله، مکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه است (مفیدی، ۱۳۹۷).

مسکن تأمین کننده یکی از نیازهای اساسی بشر است. مسکن مفهومی بیش از یک سرپناه فیزیکی است و علاوه بر ساختار فیزیکی شامل برخوردار از انواع خدمات و تسهیلات ضروری برای بهتر زیستن ساکنان و حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده کننده آن است. امروزه انتظار از مسکن فراتر از تأمین سرپناه برای سکونت است. مسکن مطلوب متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی و مرزی استفاده کنندگان با معیارهای گوناگونی شناخته می شود (مفیدی، ۱۳۹۷). سکونت نتیجه تأثیر عوامل زیادی نظیر اقلیم، مصالح، موقعیت زمین، فناوری ساخت، عوامل اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و نظامی است. سکونت، تعامل انسان با محیط (سه عرصه خصوصی، میانه و عمومی) می باشد. مسکن به عنوان ظرف سکونت و خانه به عنوان جنبه خصوصی سکونت تعریف

امنیت، دسترسی ها، نوع مسکن و ویژگیهای اطراف از لحاظ عملکردی، بصری، کالبدی و غیره می باشد (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴: ۱۴؛ آصفی و ایمانی، ۱۳۹۵: ۶۰). تأسیسات و زیرساختهای شهری، طیف وسیعی از عناصر فیزیکی را در بر می گیرد که کارکردهای مختلف شهری را میسر ساخته و باعث ترکیب و تشکیل فضاهای شهری می شوند (اسچیریجن، ۲۰۰۰: ۱۹۲؛ آصفی و ایمانی، ۱۳۹۵: ۶۰). زیر ساختهای شهری نقش مهمی را در زمینه های مختلف سکونت، فعالیت، استراحت، فراغت و به طور کلی بالا بردن کیفیت زندگی شهری بر عهده دارند.

مهدوی نژاد در تحقیقی در سبک شناسی معماری ایرانی به ویژه مسکن را مورد تحلیل قرار داد و در نهایت پنج عامل؛ ایده های ساختاردهنده طراحی، مفاهیم ساختارهای فضایی، شکل و فرم در بنا، مصالح در بنا و رابطه با بافت را جز عوامل کیفی معماری بناها دانست (مهدوی نژاد، ۱۳۸۵: ۷۹). پوردیهیمی، زمانی و نگین تاجی با بررسی این محتوا در یک رویکرد پدیدارشناختی، مسکن خوب را معادل مفهوم «مأمن» تلقی کرده و آن را یک موجودیت کلی و کیفی معرفی می کنند که مرتبط با خصلت های درونی افراد و خصلت های محیط پیرامون آنها است. مأمن با این رویکرد کلنگر، به دنبال برآوردن مؤلفه های اصلی نظیر نیازهای فیزیولوژیک و آسایش روانی، نیازهای اجتماعی، احساس امنیت و احترام و نیازهای روان شناختی چون احساس تعلق، زیبایی و هویت مندی است. در پیمایشی که در یک گروه خویشاوندی انجام گرفته فکوهی و غزنویان، به مؤلفه «گوناگونی فضایی» در مسکن مطلوب اشاره کرده و بیان می دارند مسکن های فعلی با یک رویکرد حداقلی امکان انجام بسیاری از فعالیت ها را از ساکنین سلب کرده و تأثیرات روانی، خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی آن بر کیفیت سکونت، نامطلوب است (فکوهی، غزنویان، ۱۳۹۱: ۴۱). در پژوهشی دیگر، نقی زاده اصلی ترین خصیصه مسکن مطلوب را در لایه های معرفت شناختی و وجوه درونی انسان جست و جو کرده، خودآگاهی و «حس ظهور» را بهترین و عالی ترین

مانند وسعت و شکل زمین، منابع مالی، نیروی انسانی، مصالح ساختمانی، فناوری، مدیریت و نظارت را مدنظر قرار داد.

ب) شاخص کارکردی - عملکردی

کیفیت عملکردی شامل موضوعاتی مثل تعداد اتاقهای مسکن، ابعاد اتاقها، دسترسی به مسکن و مناسب بودن آن برای افراد خانواده می شود (خوشفر ۱۳۷۴: ۳۷۹؛ آصفی و ایمانی، ۱۳۹۵: ۶۰). در نظامهای مختلف ارزیابی، بررسی مسکن از جنبه انرژی در این شاخص گنجانده شده است. در نظر گرفتن تسهیلات و خدمات مناسب، موجب افزایش سطح ارتقای مقبولیت مسکن، بهداشت مسکن و در نتیجه سلامتی ساکنان آن می شود (زنجان ۱۳۷۱: ۱۶۵؛ آصفی و ایمانی، ۱۳۹۵: ۶۰).

پ) شاخص فرهنگی - اجتماعی

مؤلفه های فرهنگی در بحث مسکن مطلوب مورد توجه هیپ بوده و به چگونگی تأثیر ساختار خانواده، نحوه خلوت گزینی، نوع آداب و رسوم در تأمین شرایط مسکن خوب از نگاه مردم پرداخته است (hipp, 2010: 47). کلکسی و برکوز با پیمایشی که در مورد مسکن انجام دادند نتیجه می گیرند که ویژگی هویتی و فرهنگی خانواده ها، سطح روابط اجتماعی و برخورداری از امنیت و کفایت ظاهری خانه، مؤلفه های تأثیرگذار بر مطلوبیت مسکن هستند (kellekci & berkoz, 2005: 14).

به اعتقاد راپاپورت، عامل فرهنگ و درک انسان ها از جهان و حیات، نقش بسیار مؤثری در مسکن و سازمان تقسیمات فضایی آن داشته است. فرآیندها و تحولات فرهنگی، مانند یکجانشین شدن، تحول ساختار خانواده، تحول آرمان ها و آداب و رسوم بر خانه و مفهوم آن تأثیر می گذارد. خانه از دیدگاه انسان شناختی نوعی «فرهنگ» است و ریشه ها، کارکردها و الگوهای فرهنگی مسکن در هر جامعه معین است (راپاپورت، ۱۳۹۱: ۴۷).

ت) شاخص کیفیت محیطی

محیط مسکونی در تمام ارزیابی های مربوط به مسکن نقش اساسی دارد. مسکنی که در محیط نامناسب قرار می گیرد، نمی تواند نیازهای تبعی ساکنین را تأمین کند (مخبر ۱۳۶۳: ۱۷؛ آصفی و ایمانی، ۱۳۹۵: ۶۰). کیفیت محیطی شامل جنبه های متنوع محیط زندگی، استاندارد تسهیلات مسکن، ایمنی،

جدول شماره ۲) عوامل تأثیرگذار در معماری مسکن باکیفیت از دیدگاه اندیشمندان و محققان خارجی

ردیف	اندیشمندان و محققان	مؤلفه‌های موثر در معماری باکیفیت
1	اپلیارد و اوکوماتو (۱۹۶۸)	جلوگیری از سر و صدا و گرد و غبار، نور مناسب و تعاملات اجتماعی.
2	لانسینگ (۱۹۶۸)	جلوگیری از سر و صدا و ارتباط با ساکنین.
3	ماراناس و راجرز (۱۹۷۵)	ویژگی‌های عینی و ذهنی و شرایط کالبدی و اجتماعی.
4	روچک (۱۹۷۵)	درک محیط ساکن و ویژگی‌های محیطی.
5	کارپ و همکاران (۱۹۷۶)	زیبایی، همسایه‌ها و امنیت.
6	گیفورد (۱۹۸۱)	عوامل اجتماعی، شخصیتی، ارزش‌ها، انتظارات و همسایگان.
7	گالستر و هسر (۱۹۸۱)	برآوردن سطوح مختلف نیازمندی‌ها.
8	ویدرمن و اندرسون (۱۹۸۳)	بعد ادراکی شامل شناخت، ادراک و عقاید افراد و بعد رفتاری نیز در برگیرنده نیت و تمایلات رفتاری انسان‌ها.
9	لرمن (۱۹۷۶)، تیمرمز و همکاران (۱۹۹۶)، گایدا (۱۹۹۸)، نور لیال و کورتیس (۲۰۰۱) و کاوانو و همکاران (۲۰۰۴)	امکانات محیطی (فضاهای سبز و پارک‌ها، مراکز خرید روزانه، فضاهای آموزشی، ورزشی، خدماتی)
10	اسمیت (۱۹۹۷)	عناصر کالبدی در شکل‌گیری محله.
11	ون پل (۱۹۹۷)	سن، جنس، مالکیت و از بین بردن منابع سر و صدا.
12	یکوها و بمیش (۱۹۹۷)	خدمات عمومی محله.
13	لیبو (۱۹۹۹)	نگهداری و نظافت محلات، نمای ساختمان‌ها و دسترسی مناسب به حمل و نقل عمومی.
14	بنایتو (۱۹۹۹)	«جنبه‌های کالبدی» (ظاهر توده و فضا، کارایی محیط و حضور طبیعت)، «جنبه‌های اجتماعی» (مردم و تعاملات اجتماعی)، «جنبه‌های عملکردی» (خدمات عمومی، خدمات تفریحی، خدمات تجاری، خدمات حمل و نقل) و «جنبه‌های زمینه‌ای» (سلامتی و بهداشت و نگهداری).
15	آمریگو و آراگونز (۲۰۰۲)	پاسخگویی به نیازها و انتظارات فرد، ویژگی‌های مسکن، دسترسی کافی.
16	باسولو و استرانگ (۲۰۰۲)	مؤلفه‌های کارکردی و حفظ حریم خصوصی.
17	رومانا سیدیکوی (۲۰۰۳)	توجه به آلودگی آب، آلودگی هوا، زباله، انبوهی جمعیت و ترافیک.
18	مارنس (۲۰۰۳)	شاخص‌های عینی و ذهنی سنجش کیفیت زندگی محله‌ای.
19	فرانچسکاتو (۲۰۰۴)	ویژگی‌های عینی محیط، مشخصات فردی، ادراک، باورها و اعتقادات، نیت فردی، احساس
20	کاوانو و همکاران (۲۰۰۴) وزانی و همکاران (۲۰۰۶)	فاصله تا مرکز شهر، فاصله تا مرکز خرید روزانه.
21	پارتر و کانتارو (۲۰۰۶)	مؤلفه‌های کالبدی و امکانات رفاهی.
22	فوت (۲۰۰۵)	وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مالکیت خانه، کیفیت کالبدی واحدهای مسکونی، ویژگی‌های واحدهای همسایگی، میزان تراکم، نزدیکی به ایستگاه‌های حمل و نقل.
23	فلوری باهی و فلونی (۲۰۰۵)	تصور ذهنی از واحد مسکونی، تسهیلات و خدمات عمومی، فضای سبز، ارتباطات اجتماعی.
24	السینگا و هوکسترا (۲۰۰۵)	مالکیت خانه‌ها و ویژگی‌های اقتصادی خانوارها.
25	ها و وبر (۲۰۰۸)	دسترسی به خدمات و تسهیلات عمومی واحد همسایگی.
26	محیط و عظیم (۲۰۱۰)	سرویس‌های خدماتی و محیط اجتماعی، امنیت.
27	عمر الحفیظ و همکاران (۲۰۱۸)	اولویت‌ها شامل؛ فنی، فضایی، محیط و فضای داخلی، اقتصادی و اجتماعی - شرایط الزامات مسکن شامل؛ تولید مسکن، مدیریت زمین، اقتصادی، زیرساختی و مصالح و مواد ساختمانی.
28	ویولیچ ۱۹۸۳	قرائن‌پذیری محیط؛ آزادی انتخاب؛ ایجاد انگیزش از طریق کاربرد فرم‌های شهری متباین؛ امکان زندگی اجتماعی در مقابل زندگی خصوصی؛ به گوش رسیدن آوای گذشته به مفهوم قابل قرائت بودن میراث‌های فرهنگی؛ لحاظ نمودن پیوندهای بومی - منطقه‌ای در قالب طرح‌ها.

ادامه جدول شماره ۲) عوامل تأثیرگذار در معماری مسکن باکیفیت از دیدگاه اندیشمندان و محققان خارجی

ردیف	اندیشمندان و محققان	مولفه‌های موثر در معماری باکیفیت
29	ترانیک ۱۹۸۶	حفظ تسلسل حرکت‌ها؛ محصوریت فضاها؛ پیوستگی لبه‌ها؛ کنترل محورها و پرسپکتیوها؛ ممزوج نمودن فضاهای درون و بیرون.
30	کولمن ۱۹۸۷	حفاظت تاریخی و مرمت شهری؛ طراحی برای پیاده‌ها؛ سرزندگی و تنوع استفاده؛ بستر و محیط فرهنگی؛ بستر و محیط طبیعی؛ توجه به ارزش‌های معمارانه محیط.
31	جیکوبز و اپلارد ۱۹۸۷	سرزندگی؛ هویت و کنترل؛ دسترسی به فرصت‌ها، تخیل و شادی؛ اصالت و معنا؛ زندگی اجتماعی و همگانی؛ خوداتکایی شهری؛ محیطی برای همه.
32	تیبالدز و پانتر ۱۹۸۹	مکان؛ سلسه مراتب؛ مقیاس؛ موزونیت؛ محصوریت؛ مواد و مصالح؛ تزیینات؛ هنر؛ نشانه‌ها، علایم و چراغ‌ها، توجه به جامعه محلی.
33	ساونت ورت ۱۹۸۹	ساختار؛ خوانایی؛ فرم؛ حس مکان؛ هویت؛ دیدها و مناظر؛ مقیاس انسانی یا پیاده.
34	گرین ۱۹۹۲	عملکرد؛ شامل ارتباط، امنیت، آسایش اقلیمی و تنوع؛ نظم؛ شامل انسجام، وضوح، پیوستگی و تعادل؛ هویت؛ شامل شکل دادن به کانون‌ها، وحدت، شخصیت و خاص بودن؛ جذابیت؛ شامل مقیاس، تناوب بصری و عملکردی، سرزندگی و هارمونی.
35	گودی ۱۹۹۳	سرزندگی؛ هارمونی با بستر موجود؛ تنوع؛ مقیاس انسانی؛ نفوذ پذیری؛ امکان شخصی‌سازی مکان؛ خوانایی؛ انعطاف پذیری؛ امکان تحول سنجیده و کنترل شده؛ غنا.
36	هاتن و هانت ۱۹۹۴	تنوع؛ تمرکز؛ دموکراسی؛ نفوذ پذیری؛ امنیت؛ مقیاس مناسب؛ طراحی ارگانیک؛ اقتصاد و ابزارهای مناسب آن؛ روابط خلاقانه؛ انعطاف‌پذیری؛ مشارکت دادن استفاده‌کنندگان در طرح‌ها.
37	Urban Futures ۱۹۹۶	توسعه پایدار به مفهوم توجه به محیط‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و طبیعی؛ یکپارچگی و همکاری؛ پاسخگویی به نیازهای بافت محل؛ قابلیت رؤیت و دسترسی.
38	یان بنتلی ۲۰۰۱	نفوذپذیری، تنوع، خوانایی، انعطاف‌پذیری، سازگاری بصری، غنا، قابلیت شخصی‌سازی، کارایی از نظر مصرف انرژی؛ پاکیزگی، حمایت و پشتیبانی از طبیعت و حیات وحش.
39	کریگر ۲۰۰۲	سیاست عام؛ معماری شهر؛ شهرسازی مرمتی؛ مکان‌سازی؛ رشد هوشمند؛ زیرساخت شهر؛ شهرسازی منظر؛ شهرسازی خیالی؛ حامی جامعه.
40	کسنر و همکاران ۲۰۰۲	ترکیب مرزهای معماری؛ معماری منظر؛ برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری هدایت.
41	کریگر ۲۰۰۹	رابطه توده و فضا و هدف آن ارتقای زیست‌پذیری، سرزندگی و کیفیت کالبدی شهرها.
42	کریکن ۲۰۱۰	پایداری، دسترسی، تنوع، فضای باز، سازگاری، مشوق‌ها، سازگاری و چگالی.

جدول شماره 3) عوامل تأثیرگذار در معماری مسکن باکیفیت از دیدگاه اندیشمندان و محققان داخلی

ردیف	اندیشمندان و محققان	مولفه‌های موثر در معماری باکیفیت
1	مهدوی‌نژاد ۱۳۸۵	پنج عامل؛ ایده‌های ساختاردهنده طراحی، مفاهیم ساختارهای فضایی، شکل و فرم در بنا، مصالح در بنا و رابطه با بافت را جز عوامل کیفی معماری بناها.
2	پوردیهیمی، زمانی و نگین تاجی ۱۳۹۰	مسکن خوب معادل مفهوم «مأمن».
3	فکوهی و غزنویان ۱۳۹۱	«گوناگونی فضایی» در مسکن مطلوب.
4	نقی زاده ۱۳۹۱	خصیصه اصلی مسکن مطلوب در لایه‌های معرفت‌شناختی و وجوه درونی انسان.
5	ارژمند و خانی ۱۳۹۱	خلوت و تعاملات اجتماعی.
6	نصف آبادی و مهدوی‌پور ۱۳۹۲	تکنیک‌ها و روش‌های ساخت.
7	پورطاهری، فضلعلی و افتخاری ۱۳۹۵	هفت مؤلفه اصلی؛ پویایی، سازگاری اجتماعی، تداوم، کارایی کالبدی، استحکام، یکپارچگی و مطلوبیت بصری.
8	زارعی ۱۳۹۶	استحکام، امنیت، آرامش، فرم مطلوب، تأمین تجهیزات و دسترسی و برخورداری از فضاهای طبیعی و اکولوژیک.

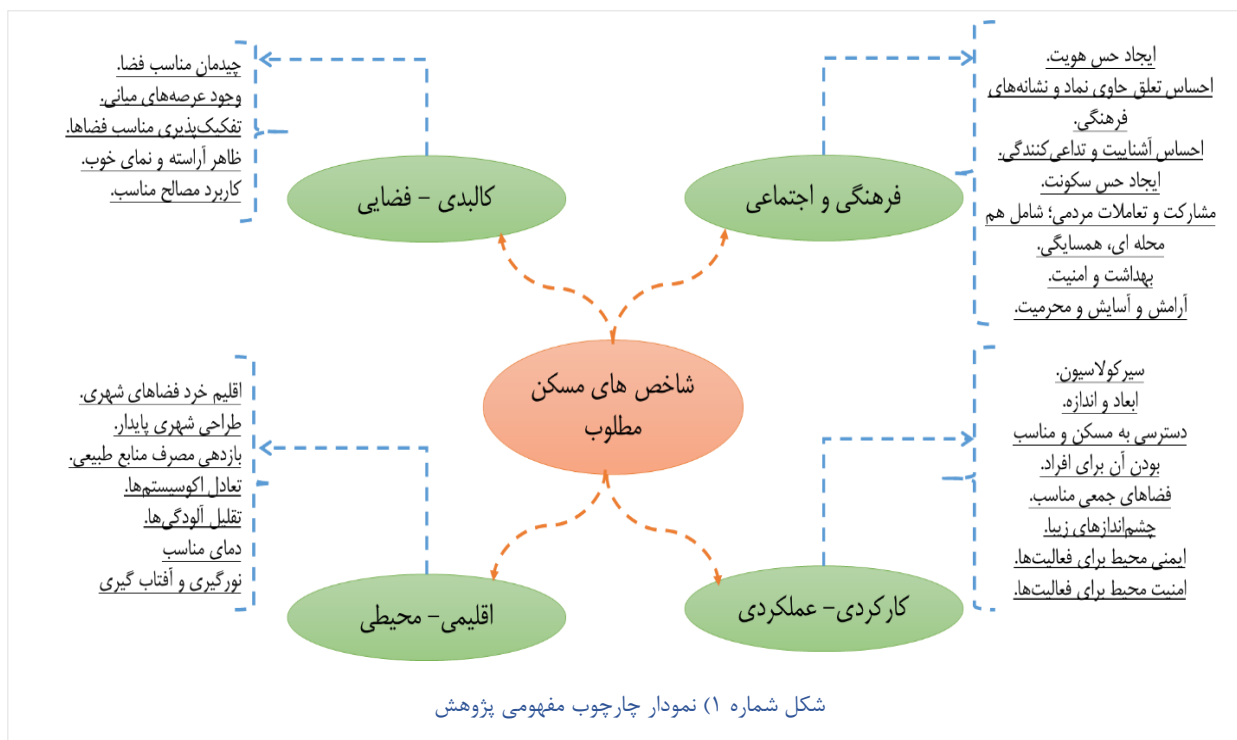
صفت برای معماری خوب عنوان می‌کند (نقی زاده، ۱۳۷۹: ۷۶). ارژمند و خانی نیز با پیمایشی در خانه‌های سنتی به مفهوم «خلوت» در چارچوب محتوایی مسکن مطلوب اشاره کرده و برقراری تعادل میان مصادیق خلوت و تعاملات اجتماعی در محیط مسکونی را، جزء کیفیت‌های واجد اهمیت در این زمینه می‌دانند (آرژمند، ۱۳۹۱: ۳۱). با یک برخورد تکنولوژیک نجف آبادی و مهدوی‌پور نیز کیفیت مسکن را منوط به تکنیک‌ها و روش‌های ساخت دانسته و معتقدند انسانی بودن، متناسب بودن، ملموس بودن و سادگی از ویژگی‌های اصلی مسکن مطلوب است که تکنولوژی در ایجاد آن نقش اساسی دارد (نجف آبادی و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۲). پورطاهری، فضلعلی و افتخاری در پژوهشی در ارتباط با الگوی فضایی مسکن پایدار به هفت مؤلفه اصلی؛ پویایی، سازگاری اجتماعی، تداوم، کارایی کالبدی، استحکام، یکپارچگی و مطلوبیت بصری اشاره می‌کنند و نتیجه می‌گیرند بهترین کار این است که به رسالت «خانه بودن» مسکن توجه بیشتری مبذول داشته و از هرگونه تک بعدی نگری در این مقوله پرهیز گردد (پورطاهری، ۱۳۹۶: ۱۰۶).

زارعی نیز با بهره‌گیری از روش تصمیم‌گیری چند شاخصه فازی، فاکتورهای ضروری کیفیت مسکن را استحکام، امنیت، آرامش، فرم مطلوب، تأمین تجهیزات و دسترسی و برخورداری از فضاهای طبیعی و اکولوژیک بیان کرده که به ترتیب مورد نظر ساکنین جهت ارتقای کیفیت زندگی‌شان است (زارعی، ۱۳۹۶: ۴۴).

کیفیت مسکن را در چهار سطح فرهنگی و اجتماعی، کالبدی فضایی، کارکردی عملکردی، اقلیمی محیطی، بررسی کرد نمودار زیر خلاصه معیارهای و شاخص‌های مورد نظر تحقیق را در سنجش و مولفه‌های مسکن مطلوب را نشان می‌دهد.

• کیفیت و مطلوبیت مسکن

کیفیت محیط سکونتی، یکی از موضوعات متداول در زمینه‌ی روان‌شناسی محیطی است که بر روابط بین افراد و محیط سکونتی‌شان در سطوح مختلف (مسکن، محله و شهر) متمرکز است. به بیان دیگر، کیفیت زندگی سکونتی را می‌توان در هماهنگی میان انسان‌ها و محیط مسکونی آن‌ها تصور کرد که این وضعیت حاصل شکل و محتوای کنش و واکنش‌های متعددی است که بین افراد و محیط فیزیکی و اجتماعی



نفر می باشد بهره گرفته می شود. برای سهولت در امر تحلیل با آماره های استنباطی از نرم افزار SIGMAPLOT استفاده می شود. در انتها براساس نتایج همبستگی بین متغیرها در هر دو نمونه موردی گرفته می شود. روایی پرسشنامه با استفاده از فرمول $CVI=0.76$ و پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ $=0.75$ می باشد. درنمونه گیری کیفی نخست از ۲۰ متخصصینی که اشراف کامل به موضوع مسکن مطلوب و مسکن جمعی و آشنایی کامل به مجموعه های مسکونی شهر همدان دارند به صورت گلوله برفی انتخاب شدند، هیئت متخصص برگزیده در شیوه دلفی دارای خصوصیات زیر می باشند:

جدول شماره ۴) فراوانی هیئت متخصص

ردیف	مصاحبه شوندهگان	تعداد	فراوانی	درصد تجمعی
۱	اساتید معماری	۱۶	۳۴,۸	۳۴,۸
۲	اساتید معماری منظر	۹	۱۹,۵	۵۴,۳
۳	اساتید طراحی شهری	۱۲	۲۶,۲	۸۰,۵
۴	اساتید برنامه ریزی شهری	۹	۱۹,۵	۱۰۰
۵	مجموع	۴۶	۱۰۰	-

نمونه های مطالعاتی

جهت تدقیق و تحدید مطالعات در بخش کمی کار، از بین مجتمع های مسکونی همدان که در مرحله نخست مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند، هشت مجتمع به عنوان نمونه های مطالعاتی به گونه ای انتخاب شده اند که معرف جامعه آماری باشند و در این پژوهش برای نیل به پاسخ پژوهش و بررسی محدوده مورد مطالعاتی مجموعه مسکونی های شهر همدان معرفی می شوند و صرفا به بیان خصوصیات آنها پرداخته می شود لازم به ذکر است انتخاب آنها به وسیله هیئت دلفی در سه فاز، طوفان فکر، تحدید و انتخاب برگزیده شده است و در نهایت ضریب کندانال بالای ۰/۵ تبیین کننده برای حضور در بررسی

سکونت آنان شکل می گیرد و شامل تبادل کالا، خدمات، اطلاعات و دیگر منابع است (الله یاری اصلی ارده، مهرآبادی، شکرگزار، ۱۳۹۶: ۱۰۹) (جمال آبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۷). مسکن با یک رویکرد حداقلی امکان انجام بسیاری از فعالیتها را از ساکنین سلب کرده و تأثیرات روانی، خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی آن بر کیفیت سکونت، نامطلوب است (فکوهی و غزنویان، ۱۳۹۱: ۳۸). زارعی نیز با بهره گیری از روش تصمیم گیری چند شاخصه فازی، فاکتورهای ضروری کیفیت مسکن را استحکام، امنیت، آرامش، فرم مطلوب، تأمین تجهیزات و دسترسی و برخورداری از فضاهای طبیعی و اکولوژیک بیان کرده که به ترتیب مورد نظر ساکنین جهت ارتقای کیفیت زندگی شان است (زارعی، ۱۳۹۶: ۵۶) (پوردهقان، شاهچراغی و مختاباد امرئی، ۱۳۹۸: ۸۴).

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از حیث نوع بنیادی - کاربردی است و از جنبه نوع روش دارای روش ترکیبی لانه به لانه می باشد. برای پاسخ دادن به سؤالات تحقیق از روش تحقیق لانه به لانه از نوع کیفی در کمی بهره گرفته می شود. ابتدا در قسمت مطالعات مرور نظام مندی نسبت به متغیرهای اصلی موضوع صورت می گیرد بعد از استخراج متغیرها و ایجاد چارچوب مفهومی سعی می شود که به تدقیق سازی متغیرها، مطابق با نمونه موردی به روش دلفی توسط متخصصین صورت گیرد. در دلفی از فاز تحدید و رتبه بندی استفاده می شود. از متخصصین ابتدا خواسته می شود که متغیرها را تأیید و سپس امتیازدهی نمایند و با توجه به امتیازات بدست آمده ضریب کندانال هر متغیر محاسبه و آنهایی که مقادیرشان کمتر از ۰/۵ بود به علت عدم انطباق با نمونه های موردی حذف می گردند سپس در مرحله کمی، متغیرهای مسکن مطلوب بدست آمده در مرحله قبل پرسشنامه با طیف لیکرت تدوین و در اختیار کاربران فضایی به صورت تصادفی قرار می گیرد. جامعه آماری تمامی ساکنین می باشند و برای اعتبار بخش بیشتر به حجم نمونه گرفته شده از حد بالای جدول مورگان که تعداد ۳۸۴

پژوهش بوده است. امر را فاقد داشتن زیرساخت لازم برای یک مجتمع مسکونی دانسته‌اند و آن‌ها را حذف کرده‌اند. در بین نمونه‌های معرفی شده تعدادی از آن‌ها به علت پایین بودن ضریب کندال حذف شده‌اند هیئت متخصصین علت این

جدول شماره ۵) معرفی خصوصیات نمونه‌ها

ردیف	نام و سال ساخت	محل قرارگیری	گونه‌شناسی فضای باز مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه	تعداد طبقات	ضریب کندال	تصویر
۱	مجتمع سعیدیه دهه ۷۰	بالا شهر	پراکنده-نواری	۶ و ۱۰ طبقه	۰/۷۱۱	
۲	مجتمع کاشانی دهه ۵۰	مرکز شهر	پراکنده-نواری	۴ طبقه	۰/۵۹۶	
۳	مجتمع فردیس دهه ۷۰	شهرک‌های اقماری	پراکنده-نواری	۴ طبقه	۰/۷۱۰	
۴	مجتمع امام رضا دهه ۷۰	حاشیه شهر	متمرکز- درون‌گرا	۴ طبقه	۰/۴۷۴	
۵	مجتمع مسکونی بوعلی دهه ۸۰	حاشیه شهر	متمرکز- درون‌گرا	۴ طبقه	۰/۲۱۸	
۶	مجتمع مسکونی امام خمینی دهه ۷۰	حاشیه شهر	پراکنده	۴ طبقه	۰/۶۱۹	
۷	مجتمع مسکونی احرار دهه ۷۰	شهرک اقماری	نواری	۴ طبقه	۰/۲۲۸	
۸	مجتمع مسکونی قدیمی‌ها دهه ۶۰ و ۷۰	شهرک اقماری	پراکنده	۴ طبقه	۰/۵۱۷	

جدول شماره ۶) ضریب کندال شاخص های مسکن مطلوب

مولفه های موثر در مسکن مطلوب			
ردیف	ابعاد	شاخص	ضریب کندال
۱		ایجاد حس هویت.	۰/۷۶۱
		احساس تعلق حاوی نماد و نشانه های فرهنگی.	۰/۸۲۱
		احساس آشنایی و تداعی-کنندگی.	۰/۷۹۴
		ایجاد حس سکونت.	۰/۶۱۲
		مشارکت و تعاملات مردمی؛ شامل هم محله ای، همسایگی.	۰/۶۲۶
		بهداشت و امنیت.	۰/۷۱۱
		آرامش و آسایش و حریمیت.	۰/۸۰۶
۲		سیرکولاسیون.	۰/۶۱۹
		ابعاد و اندازه.	۰/۳۰۲
		دسترسی به مسکن و مناسب بودن آن برای افراد.	۰/۲۱۴
		فضاهای جمعی مناسب.	۰/۶۵۲
		چشم اندازهای زیبا.	۰/۶۲۵
		ایمنی محیط برای فعالیت ها.	۰/۷۲۳
		امنیت محیط برای فعالیت ها.	۰/۶۹۵
۳		قابلیت تغییرپذیری.	۰/۴۱۷
		چیدمان مناسب فضا.	۰/۸۷۱
		وجود عرصه های میانی.	۰/۵۳۱
		تفکیک پذیری مناسب فضاها.	۰/۷۱۱
		ظاهر آراسته و نمای خوب.	۰/۷۴۴
		کاربرد مصالح مناسب.	۰/۷۰۱
		اقلیم خرد فضاها شهری.	۰/۳۶۹
۴		طراحی شهری پایدار.	۰/۷۸۴
		بازدهی مصرف منابع طبیعی.	۰/۳۱۹
		تعادل اکوسیستم ها.	۰/۶۱۵
		تقلیل آلودگی ها.	۰/۷۲۲
		دمای مناسب	۰/۴۴۵
		نورگیری و آفتاب گیری	۰/۷۱۰

یافته های پژوهش

در این مرحله از هیئت متخصص خواسته می شود که ابتدا متغیرهای استخراج شده در مبانی نظری را مطالعه و در صورت معرف مسکن مطلوب بودن آن را تایید نمایند سپس نمونه های موردی به آنها معرفی و از آنها خواسته می شود به متغیرها نسبت به وجود و یا عدم وجود در محدوده مطالعاتی امتیاز ۱ تا ۱۰ را بدهند. در مرحله بعد با خبرگان به صورت هیئت مجزا برخورد گردید و از آنها خواسته شد عوامل منتخب شده توسط هر هیئت را رتبه بندی کنند از هر خبره خواسته شد که تعداد ۱۰ عامل را انتخاب کنند برای هر هیئت عوامل انتخاب شده توسط ۵۰٪ خبرگان برگزیده شد. از خبرگان خواسته می شود تا عوامل موجود در لیست های ویرایش هیئت خود رتبه بندی کنند؛ رتبه متوسط برای هر مورد حساب می شود. در هر لیست با استفاده از دلبوی کندال ارزیابی صورت می گیرد و این امر آنقدر ادامه پیدا می کند تا به اتفاق نظر برسند و تعدادی از متغیرهای دور اول حذف گردند. در جدول زیر برای هر متغیر ضریب کندال محاسبه شده و همچنین متغیرهای حذف شده دور اول به نمایش گذاشته می شود.

با توجه به نتایج این مرحله شاخص هایی که ضریب کندال آنها پایین تر از ۰/۵ بوده که شامل ابعاد و اندازه، دسترسی به مسکن و مناسب بودن آن برای افراد، قابلیت تغییرپذیری، محیط کالبدی- فضایی، اقلیم خرد فضاها شهری، بازدهی مصرف منابع طبیعی، دمای مناسب حذف می گردد با توجه به مشاهدات فردی پژوهشگر می توان موارد بالا را نسبت به مجموعه های مسکونی تایید نمود.

• یافته های کمی

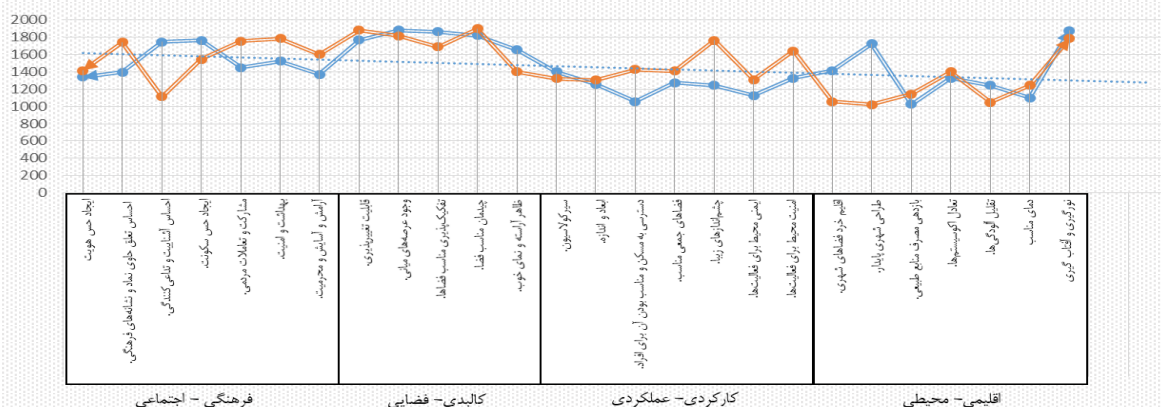
الف) آماره های توصیفی

با توجه به نمودار فراوانی بدست آمده مشخص گردید که در مجموعه مسکونی شاخص چیدمان مناسب فضا بیشترین فراوانی و کمترین را تقلیل آلودگی ها دارد.

• آماره های استنباطی

الف) همبستگی

در این مرحله پس از انتخاب متغیرهای برگزیده با روش دلفی، پرسشنامه ای تدوین می گردد و به صورت تصادفی بین ساکنین



شکل شماره ۲) نمودار فراوانی متغیرها در مجموعه های مسکونی

جدول شماره ۷) آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن متغیر رفتار فضایی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	Z کولموگروف اسمیرنوف	P
مؤلفه های مسکن مطلوب	۲۷/۷۷	۳/۲۳	۰/۷۹۳	۰/۳۱۴

جدول شماره ۸) آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن متغیر مسکن مطلوب

ردیف	بعد	متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۱	فرهنگی و اجتماعی	ایجاد حس هویت.	۰/۴۶۴	۰/۰۰۰
		احساس تعلق حاوی نماد و نشانه های فرهنگی.	۰/۷۸۱	۰/۰۰۰
		احساس آشنایی و تداعی کنندگی.	۰/۶۴۵	۰/۰۰۰
		ایجاد حس سکونت.	۰/۶۵۳	۰/۰۰۰
		مشارکت و تعاملات مردمی.	۰/۶۵۹	۰/۰۰۰
		بهداشت و امنیت.	۰/۵۲۸	۰/۰۰۰
		آرامش و آسایش و حریمیت.	۰/۳۱۹	۰/۰۰۰
۲	کارکردی - عملکردی	سیرکولاسیون.	۰/۶۸۳	۰/۰۰۰
		ابعاد و اندازه.	۰/۵۵۰	۰/۰۰۰
		دسترسی به مسکن و مناسب بودن آن برای افراد.	۰/۶۱۵	۰/۰۰۰
		فضاهای جمعی مناسب.	۰/۳۱۸	۰/۰۰۰
		چشم اندازهای زیبا.	۰/۶۲۳	۰/۰۰۰
		ایمنی محیط برای فعالیت ها.	۰/۴۴۳	۰/۰۰۰
		امنیت محیط برای فعالیت ها.	۰/۷۱۱	۰/۰۰۰
۳	کالبدی - فضایی	چیدمان مناسب فضا.	۰/۵۳۶	۰/۰۰۰
		وجود عرصه های میانی.	۰/۷۲۰	۰/۰۰۰
		تفکیک پذیری مناسب فضاها.	۰/۴۲۵	۰/۰۰۰
		ظاهر آراسته و نمای خوب.	۰/۴۸۰	۰/۰۰۰
		کاربرد مصالح مناسب.	۰/۴۷۳	۰/۰۰۰
		اقلیم خرد فضاها شهری.	۰/۴۲۵	۰/۰۰۰
		طراحی شهری پایدار.	۰/۵۶۲	۰/۰۰۰
۴	اقلیمی - محیطی	بازدهی مصرف منابع طبیعی.	۰/۴۵۰	۰/۰۰۰
		تعادل اکوسیستم ها.	۰/۷۴۵	۰/۰۰۰
		تقلیل آلودگی ها.	۰/۶۱۵	۰/۰۰۰
		دمای مناسب	۰/۶۷۰	۰/۰۰۰
		نورگیری و آفتاب گیری	۰/۸۱۴	۰/۰۰۰

همانگونه که در جدول بالا مشاهده می‌گردد آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای نمره مؤلفه‌های کالبدی معنادار است ($p=0/314$) و بنابراین عوامل تأثیرگذار در مسکن مطلوب دارای توزیع نرمالی نیستند و باید از تحلیل‌های ناپارامتریک برای آن استفاده کرد.

توزیع می‌گردد. نتایج وارد نرم افزار Spss25 می‌شود برای تحلیل از روابط پیش بین (رگرسیون) و روابط همبستگی استفاده می‌شود. برای بررسی نوع پارامتریک و نا پارامتریک بودن داده‌ها از Two- Sample Kolmogorov-Smirnov Test بهره گرفته می‌شود.

جدول شماره ۹) ضریب تعیین متغیرهای مسکن مطلوب و ترسیم همبستگی

ردیف	مقیاس	مجموعه مسکونی		
		ضریب تعیین	F	β
۱	فرهنگی و اجتماعی	ایجاد حس هویت.	۵۲۷/۲۲۲	۰/۷۸۱
		احساس تعلق حاوی نماد و نشانه‌های فرهنگی.	۴۰۵/۱۲۲	۰/۷۳۲
		احساس آشنایی و تداعی‌کنندگی.	۲۱۷/۳۴۳	۰/۶۶۲
		ایجاد حس سکونت.	۱۹۹/۹۴۳	۰/۶۴۸
		مشارکت و تعاملات مردمی.	۲۹۸/۸۴۷	۰/۵۱۱
		بهداشت و امنیت.	۶۲۵/۵۶۶	۰/۶۳۵
		آرامش و آسایش و حریمیت.	۵۴۹/۲۱۷	۰/۴۸۹
۲	کارکردی - عملکردی	سیرکولاسیون.	۳۴۹/۶۰۳	۰/۶۶۵
		ابعاد و اندازه.	۶۴۳/۶۲۳	۰/۶۶۲
		دسترسی به مسکن و مناسب بودن آن برای افراد.	۴۰۶/۶۰۳	۰/۶۵۰
		فضاهای جمعی مناسب.	۱۸۴/۹۴۵	۰/۴۸۳
		چشم‌اندازهای زیبا.	۲۷۶/۷۴۸	۰/۴۶۴
		ایمنی محیط برای فعالیت‌ها.	۳۸۲/۴۱۲	۰/۶۶۳
		امنیت محیط برای فعالیت‌ها.	۶۵۶/۷۸۲	۰/۴۱۰
۳	کالبدی - فضایی	چیدمان مناسب فضا.	۱۹۹/۹۴۳	۰/۴۵۲
		وجود عرصه‌های میانی	۴۹۹/۰۳۴	۰/۴۶۳
		تفکیک‌پذیری مناسب فضاها.	۶۷۳/۶۴۳	۰/۶۶۲
		ظاهر آراسته و نمای خوب.	۴۸۹/۷۸۲	۰/۷۲۰
		کاربرد مصالح مناسب.	۶۴۳/۶۲۳	۰/۶۶۲
		اقلیم خرد فضاها شهری.	۳۸۲/۴۱۲	۰/۷۴۰
۴	اقلیمی - محیطی	طراحی شهری پایدار.	۶۷۳/۶۴۳	۰/۶۶۲
		تعادل اکوسیستم‌ها.	۶۴۵/۷۱۵	۰/۷۲۰
		تقلیل آلودگی‌ها.	۵۴۶/۷۱۲	۰/۵۴۱
		بازدهی مصرف منابع طبیعی.	۶۴۳/۶۲۳	۰/۶۸۰
		دمای مناسب	۲۱۷/۳۱۵	۰/۶۷۵
		نورگیری و آفتاب‌گیری	۳۸۲/۴۱۲	۰/۷۴۰

در مجموعه‌های مسکونی منتخب بیشترین همبستگی بین شاخص نورگیری و آفتاب‌گیری از بعد اقلیمی - محیطی با دیگر مؤلفه‌ها و کمترین مربوط به فضاهای جمع مناسب از کارکردی - عملکردی با دیگر شاخص‌هاست.

ب) رگرسیون

در رگرسیون چند متغیره در هر مرحله متغیر مستقل را وارد یا حذف می‌کند تا سرانجام به مدل بهینه دست پیدا کند. با نگاهی به معادله فوق می‌توان دریافت با افزایش یا کاهش یک واحدی از شاخص‌های اثرگذار در مسکن مطلوب و با ثابت ماندن دیگر فاکتورها، متغیرهای موجود در آن به میزان‌های مختلفی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. با توجه به ضرایب تعیین بدست آمده در مجموعه‌های مسکونی مشخص گردید که بیشترین سهم عاملی مربوط به احساس تعلق، سیرکولاسیون، ایمنی محیط برای فعالیت‌ها، تعادل اکوسیستم‌ها و اقلیم خرد فضاهای شهری و نورگیری و آفتابگیری با مقدار (۱/۰۰۰) است و کمترین مربوط به ابعاد و اندازه با مقدار (۰/۳۸۳) می‌باشد.

بحث

مجموعه مسکونی‌های شهر همدان دارای مکانهایی است که به خوبی از فعالیت‌های تعریف شده برای هر قسمت، حمایت کرده و توانسته به عنوان فضاهای جمعی عملکرد مناسبی داشته باشد این قسمت‌ها به عنوان مهم‌ترین فضاها، دیگر قسمت‌ها را تحت تأثیر قرار داده است این قرارگاه‌های رفتاری تمامی ابعاد ذکر شده در مسکن مطلوب موجود را می‌تواند کنترل نماید. در مجتمع سعیدیه وجود فضاهای یکسان متوالی در قسمت‌های باز و نیمه باز این مجموعه تداعی کننده عدالت اجتماعی برای ساکنین و کاربران است که دیگر جنبه‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد. احساس تعلق در ساکنین با مدت کم و یا زیاد نقش تعیین کننده‌ای در القای یک مسکن مطلوب نزد کاربران فضایی دارد که این حس در افراد ساکن در مجموعه مسکونی با مالکیت و احساس سکونت و زندگی در بعد فرهنگی پدید می‌آید. بیشترین سهم عاملی مربوط به احساس تعلق، سیرکولاسیون، ایمنی محیط برای فعالیت‌ها، تعادل اکوسیستم‌ها و اقلیم خرد فضاهای شهری و نورگیری و آفتابگیری با مقدار (۱/۰۰۰) است و کمترین مربوط به ابعاد و اندازه با مقدار (۰/۳۸۳) می‌باشد. می‌توان پوسترهایی را به

علت به کارگیری ضعیف مصالح و بازسازی‌های متعدد با مصالح نامرغوب در ایجاد آن مؤثر دانست. در حوزه کار کردی، عملکردی وجود همبستگی پایین‌تر بوده و مقدار آن ۰/۲ می‌باشد و مقدار این همبستگی برای تبیین یکدیگر بسیار کم بوده است. سیرکولاسیون در مجموعه‌های مسکونی منتخب به علت خوانایی و راحتی برای بهره‌وران و همچنین کمترین میزان تداخل عملکردی با دیگر فعالیت‌ها و گروه‌های سنی از سهم بالاتری برخوردار بوده است. در فضاهایی که برای حضور افراد با گروه‌های سنی مختلف در نظر گرفته شده است مبین این امر است. در حوزه عملکردی همبستگی بین متغیرها به میزان (۰/۰۲) شده است که میزان پایین آن نمی‌تواند تبیین کننده یکدیگر باشد. ایمنی در فعالیت‌های تعریف شده با بکارگیری عوامل مصنوع و طبیعی در مجتمع مدنی به این امر تاکید می‌کند وجود فعالیت‌های خاص در هر فضا می‌تواند کمک به القای حس مطلوبیت نماید. در حوزه کالبدی - فضایی همبستگی بین شاخص‌ها به میزان بسیار زیادی پایین‌تر از دیگر ابعاد بوده است و این مقدار نزدیک به صفر می‌باشد (۰/۰۰۲) که عدم تفکیک‌پذیری مناسب فضاها و ادغام کاربری‌ها به صورت فضایی در یکدیگر نشان بر همین امر دارد. در مجموعه‌های مسکونی منتخب بیشترین همبستگی بین شاخص نورگیری و آفتاب‌گیری از بعد اقلیمی - محیطی با دیگر مؤلفه‌ها و کمترین مربوط به فضاهای جمع مناسب از کارکردی - عملکردی با دیگر شاخص‌هاست. به طور کلی میزان همبستگی در ابعاد مختلف مسکن مطلوب در مجموعه مسکونی به شرح زیر است:

فرهنگی < کارکردی - عملکردی > کالبدی - فضایی <

اقلیمی - محیطی

نتیجه گیری

با توجه به تغییراتی که نگاه به مسکن در طول نیم قرن اخیر به خود دیده است، جهت تعریف آن به گونه‌ای که هم شامل یک مکان مسکونی حاوی مفاهیم درونی و بخشی از یک مکان بزرگتر در مقیاس ناحیه، منطقه، شهرک و یا شهر که حاوی مفاهیم بیرونی است؛ باشد. در نهایت با توجه به رویکردهای این پژوهش، می‌توان مسکن را سیستمی از عناصر کالبدی دانست که سیستمی از مفاهیم اصولی سازمان‌دهنده معماری مطلوب در آن اتفاق می‌افتد. با تکمیل الگوی هویت مسکن،



ثمین شریفی میاوقی، ابراهیم یعقوبی سنقرچی، معصومه و حق لسان، مسعود. (۱۳۹۸). ارزیابی مؤلفه های ارزشی معماری مسکن مطلوب براساس نظام معرفتی اسلام (نمونه موردی: خانه های معاصر ارومیه)، نشریه علمی آموزش و ارزشیابی، سال دوازدهم، شماره ۴۸، ۳۳-۶۲.

جعفری نجف آبادی، عاطفه. مهدوی پور، حسین. (۱۳۹۲). نقش تکنولوژی های بومی در کیفیت فضاهای مسکونی، مجله: مسکن و محیط روستا. بهار. شماره ۱۴۱ (۱۸ صفحه - از ۵۱ تا ۶۸).

جمال آبادی، جواد؛ زنگنه، مهدی؛ روحی، فرشته و حبیب زاده، زهرا. (۱۳۹۷). تحلیل مطلوبیت مسکن از دیدگاه ساکنان مطالعه موردی: شهرک اندیشه سبزوار، نشریه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، دوره هشتم، شماره ۳۱، ۴۳-۵۶.

حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۷۹). جامعه مدنی و حیات شهری. مجله هنرهای زیبا ۷: ۲۲-۳۳.

خوشفر، غلامرضا. (۱۳۷۴). کاربرد شاخصهای اجتماعی در توسعه مسکن. در مجموعه مقالات دومین سمینار سیاستهای توسعه مسکن در ایران، جلد ۲. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان ملی زمین و مسکن.

دیباچ، سید موسی. (۱۳۹۱). ماهیت معماری: مجموعه مقالات، تهران: انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی.

رأپاپورت، آموس. (۱۳۹۵). معنی محیط ساخته شده، ترجمه فرح حبیب. چاپ دوم. تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.

رأپاپورت، ایموس. (۱۳۸۲). خاستگاههای فرهنگی معماری، ترجمه: صدف آل رسول و افرا بانک. فصلنامه خیال (۹۷-۵۶). شماره ۱. تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.

زارعی، یعقوب. (۱۳۹۶). سنجش و تحلیل کیفیت مسکن با بهره گیری از روش تصمیم گیری چند شاخصه فازی، هفت حصار، (۲۰): ۳۶-۵۰.

زنجانی، حبیب اله. (۱۳۷۱). جمعیت و توسعه. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

شماعی، علی، و احمد پوراحمد. (۱۳۸۴). بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

عاملی، ابراهیم. (۱۳۶۳). تفسیر اختصاصی عاملی، مشهد، انتشارات باستان.

عمید، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۶۳). تفسیر المیزان، انتشارات محمدی، مشهد.

فکوهی، ناصر و غزنویان، زهرا. (۱۳۹۱). بررسی انسان شناختی تنوع فضایی مطلوب از منظر ساکنان خانه های شهری تهران، البرز و قزوین، پژوهش های انسان شناسی ایران، (۲)، ۲۹-۵۲.

چگونگی انجام آن نیز نشان داده شده است. موارد فوق الذکر از میان نمونه های موفق مجموعه های مسکونی بر حسب پیشینه ساخت و نظام فکری و شکل گیری خاص خود نسبت به دیگر موارد اولویت تحقیق می یابند. همچنین به لحاظ وسعت و تنوع مسکن می توانند حاوی مضامین و مولفه های معماری و شهرسازی درخوری باشند که در سایر موارد مشابه قابلیت استفاده نیز داشته باشد. نتایج این مقاله نشان داد در بکارگیری ابعاد مختلف در طراحی های این مجموعه ها پیروی از ابعاد مسکن مطلوب در ابعاد کارکردی عملکردی و فرهنگی از هم تبعیت می کنند اما دیگر ابعاد نمی توانند مبین یکدیگر باشند. هر یک از این مجموعه ها در ابعادی خاص دارای توجه بیشتر در نظر برنامه ریزان و شهرسازان بوده اند و در بعضی ابعاد توجه کمتر بوده است.

فهرست منابع:

- آرژمند، محمود؛ خانی، سمیه. (۱۳۹۱). نقش خلوت در معماری خانه ایرانی، مطالعات شهر ایرانی اسلامی. شماره ۲(۷)، ۲۷-۳۸.
- آصفی، مازیار و ایمانی، الناز. (۱۳۹۵). بازتعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی، اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه های سنتی، فصلنامه پژوهشهای معماری اسلامی، شماره یازدهم، سال چهارم.
- الله یاری اصابی ارد، شمیلا؛ جعفری مهرآبادی، مریم و شکرگزار، اصغر. (۱۳۹۶). سنجش کیفیت محیط سکونتی محلات شهری (مطالعه موردی محلات خرمشهر و ضیابری شهر رشت)، پژوهش های جغرافیایی برنامه ریزی شهری، دوره ۵، شماره ۱، ۱۰۷-۱۲۷.
- اهری، زهرا. (۱۳۷۰). مسکن حداقل. چاپ دوم. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن. ۱۳۷۰.
- بهره دار، امجد؛ مدنی، رامین و افشاری، محسن. (۱۴۰۲). ارائه الگوی کالبدی مسکن امروز با بهره گیری از کیفیات مطلوب خانه های تاریخی (نمونه موردی شهر کرمان)، فصلنامه توسعه پایدار شهری، سال چهارم، شماره ۱۱، ۳۳-۵۰.
- پوردهقان، حافظه؛ شاهچراغی، آزاده و مختاباد امرئی، سیدمصطفی. (۱۳۹۸). سنجش و تحلیل قواعد نظری مسکن مطلوب با تکیه بر آرای مردم، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۶۵، ۸۱-۹۶.
- پورطاهری، مهدی. فضلعلی، زینب. رکن الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۹۶). تحلیل فضایی الگوی مسکن پایدار روستایی (مطالعه موردی: روستاهای استان مازندران)، مجله برنامه ریزی و آمایش فضا دوره ۲۱ بهار. شماره ۱.
- توسلی، محمود. (۱۳۶۷). قواعد و معیارهای طراحی فضای شهری. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

- Carmona, Matthew, Tim Heath, Taner Oc, Steve Tiesdell. (2006). **Public Spaces- Uarban Spaces**. UK: Architectural press.
- Galster, G. Hesser, G. (1981). **Residential satisfaction-compositional and contextual correlates**, Environment and behavior, No. 13:735-758.
- Goodey, (1993). "Two Gentlemen in Verona: The Qualities of Urban Design", P.3-5.
- Hipp, J. (2010). What is the "neighbourhood" in neighbourhood satisfaction? Comparing the effects of structural characteristics measured at the microneighbourhood and tract levels, Urban Studies, 47(12).
- Hipp, J. (2010). What is the "neighbourhood" in neighbourhood satisfaction? Comparing the effects of structural characteristics measured at the micro- neighbourhood and tract levels, Urban Studies, 47(12)pp.
- Iveson, Kurt. (2013). **Cities within the City: Do-It-Yourself Urbanism and the Right to the City**. International Journal of Urban and Regional Research.
- Jacobs & Apple yard. (1987). "Toward an Urban Design Manifesto", P.112-120.
- Jones, E.H. (2007). **Spaces of Belonging: Home, Culture and Identity in 20th Century French**, Amsterdam: Rodopi.
- Krieger, A Premises. (2002). **Pedagogies, Practices: Design Urban**, In .(Crawford Margaret and Kahn Andrea: eds. University Columbia, Program Design Urban.
- Krieger, A, Krieger. (2009) **Design Urban. Urban Does How and Where, " In?", Happen Design ,Minnesota of University**. S.W, Saunders& .Lon.
- Kellekci, O. Berköz, I. (2005), **Determinants of users' satisfaction and environment quality : sample of Istanbul metropolitan area**", Istanbul technical university, faculty of architecture, Department of Urban and Regional Planning, pp:1-18.
- Masaeli, Sedighe. (2009). **Plan as of Religious Beliefs in traditional housing deserts in Iran**, Tehran: Journal of Fine Arts; (37). Page 38 - 27.
- Moore, Charles, Gerald Allen and Donlyn Lyndon; (1974). **The place of Houses** (New York: Holt), Rinehart and Winston.
- Moore, J. (2000). **Placing Home in Context**, Journal of Environmental Psychology, (20): 207-217.2000.
- Nelessen. (1994). "Visions for a New American Dream", 1994.
- Potter, J. , & Cantarero, R. (2006). **How does increasing population and diversity affect resident satisfaction? A small community case study**. Environment and Behavior, 38, 605-625.
- Shin, J. (2014). **Making Home in the Age of Globalization: A comparative analysis of elderly**
- گیفورد، رابرت. (۱۳۷۸)، **روانشناسی محیط‌های مسکونی**، معماری و فرهنگ، ۱۱ (۳ و ۲)، ۷۱.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۵). **سبک شناسی جریان های معماری معاصر**، مجله آبادی، شماره ۵۲.
- معماردزفولی، سجاد؛ تابان، محسن؛ مسعود نژاد، مصطفی و مظهری، محمدابراهیم. (۱۴۰۰). **تبیین مفاهیم سازمان دهنده مسکن مطلوب در شرکت شهر های نفتی نمونه موردی: مجموعه مسکونی نیوسایت اهواز**، نشریه هنر و معماری، فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، شماره ۱۰، ۱۵۳-۱۷۱.
- مفیدی، سحر. (۱۳۹۷). **شاخص های پایداری فرهنگی اجتماعی در حوزه مسکن**، انتشارات کیان دانش، تهران.
- مخبر، عباس. (۱۳۶۳). **ابعاد اجتماعی مسکن**. تهران: انتشارات برنامه و بودجه.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۸۹). **چپ ستی منظر شهری**. مجله علمی-ترویجی منظر ۹ (۲): ۳۰-۳۳.
- مدنی، رامین و شقایق، مینو. (۱۳۹۲). **راهکارهای طراحی عرصه میانه با رویکرد جبران سازی مسکن حداقل در ایران**، آرمان شهر، ۱۱ (۱)، ۱۵۳-۱۶۵.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۷۹). **ویژگی‌های کیفی م سکن مطلوب (مبانی طراحی و روش‌های تح صیل آن)**، فصلنامه صفه (۱۰۳-۹۰). شماره ۳۱. دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.
- ونتلینگ، جیمز. (۱۳۹۲). **طراحی م سکن بر پایه سبک زندگی**، ت: قاسمی، حبیب، نشر کسری، تهران.
- Al-Hafith, Omar. Satish B.K.a, Simon, Bradburyb, Pieterde, Wildea. (2018). **A systematic assessment of architectural approaches for solving the housing problem in Iraq**. Frontiers of Architectural Research.
- Amerigo, M., & Aragones, J. (1977). **A Theoretical and Methodological Approach to the Study of Residential Satisfaction**. Journal of Psychology, 17, 47-57.
- Bentley, (1990). "Ecological Urban Design", p.69-71. 1990.
- Bonaiuto, M., Ferdinando F., & Bonnes, M. (2006). **Perceived Residential Environment Quality In middle- And low-Extension Italian Cities**, Revue Européennede Psychologie Appliquée. European Review of Applied Psychology, 56, 23-34.
- Cooper, Claire. (2000). **house as their insti- tutional, philosophical and psychological books perception of space**; translation: A. Lord Jlfayy, of publishing the soil
- Canter, d. (1971). **The psychology of place**. London: The Architectural Place.



- Schrijnen, Pieter.(2000). **Infrastructure Networks and Red-green Patterns**. City Region Landscape and Urban Planning 48:191-204.
- Trancik, R.(1986). "**Finding Lost Space: Theory of Urban Design**."
- Violich.(1983). "**Urban Reading and the Design of Small Urban Places**."

- home in the U.S. and Korea**, Journal of Environmental Psychology, (37): 80-93. Shirvani, "Urban Design Review", 1981, P.81.
- South worth,(1989). "**Theory and Practice of Contemporary Urban Design**. Op. Cit., 1989, P.372-375.South worth Op. Cit., P.402.